

کندوکاوی نو در مسئله وثاقت تاریخی قرآن با استناد به مصاحف صنعا

نانسی ساکی*

محمد کاظم شاکر**

چکیده

در دوران خلیفه دوم، زیست فردی و اجتماعی و نظام سیاسی نوپای مسلمانان دچار تحول اساسی شد. در روزگار خلافت عثمان، دو رخداد منشأ تحولات مهمی شدند: یکی شورش علیه خلیفه و قتل او؛ و دیگر، تدوین جدید قرآن که به قرآن عثمانی شهرت یافت. تحقیق درباره تاریخ قرآن در نیم قرن نخست اقدامی بس دشوار است؛ زیرا از یک سو هیچ نسخه استنادپذیری از قرآن زمان پیامبر و نیز قرآن‌های پس از آن و از جمله قرآن‌های ابوبکر و عثمان در اختیار نیست و، از سوی دیگر، راه روشن و استواری برای تحقیق و تفحص و انکشاف حقایق متقن وجود ندارد. امروزه، جز متن قرآن کنونی و نسخه‌هایی از قرآن‌های غالباً ناقص از قرون نخست و نیز انبوه روایات متنوع و غالباً متضاد، اسنادی برای تحقیق در قرآن‌های نیمه اول سده در دست نیست. از این جهت است که پیدایی دست‌نوشته‌های صنعا به‌ویژه برای تأیید وثاقت تاریخی قرآن اهمیت دوچندان می‌یابد. به‌ویژه که با مطالعات روی این نسخ ثابت شد که این دست‌نوشته‌ها متعلق به میانه سده اول هجری اند و این امر خط بطلانی بر نظریه تثبیت نهایی متن قرآن در انتهای سده دوم یا اوایل سده سوم هجری است.

کلیدواژه‌ها: مصحف عثمانی، مصاحف صنعا، تدوین و جمع قرآن، خاورشناسان، پوست‌نوشته‌های کهن قرآنی.

* استادیار دانشگاه شهید چمران (نویسنده مسئول) tooba1363@yahoo.com

** استاد دانشگاه قم mk-shaker@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۲/۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۴/۱۰

۱. مقدمه

بحث پرچالش وثاقت تاریخی قرآن در میان اسلام‌شناسان غربی از دو منظر مورد مناقشه و تردید قرار گرفته است: اول، از منظر تاریخی و روایات متفاوت و متناقض در چگونگی و چرایی تدوین قرآن (از روزگار پیامبر تا روزگار عثمان و حتی پس از آن)؛ و دوم، از منظر باستان‌شناسی (نسخه‌شناسی) که عمدتاً به تازگی از سوی غربیان پی گرفته شده و می‌شود؛ هرچند تا کنون هیچ‌یک از مباحث چالش‌برانگیز نتوانسته خلل جدی در وثاقت تاریخی قرآن موجود وارد کند. اختلافات فراوان در روایات مربوط به جمع قرآن از دوران ابوبکر تا عثمان چندان آشفته و متناقض است که گرچه در وثاقت و سندیت قرآن و اثبات وثاقت از طریق تواتر شبهه‌افکن است، به‌واقع ظرفیت اثبات موثق نبودن قرآن را ندارد و از این رو کسانی چون نولدکه و شوالی نیز تصریح کرده‌اند که نباید به روایات متناقض جمع مصحف برای اثبات یا رد وثاقت تاریخی قرآن تکیه و احتجاج کرد (نولدکه، ۲۰۰۰: ۲/۲۳۹-۲۴۰). برخی از پژوهش‌گران مسلمان نیز روایات غالباً متناقض مربوط به جمع قرآن در عصر خلفا را به تفصیل مورد نقد و واکاوی قرار داده و در نهایت بی‌اعتباری آن‌ها را در مورد ادعای موثق نبودن قرآن و تحریف در آن نشان داده‌اند. آیت‌الله خویی در این زمینه با دقت و گستردگی بحث کرده و تناقض‌های بین روایات مربوطه را نشان داده است (خویی، بی تا: ۲۳۷-۲۵۴). در واقع محققان در این زمینه دو دسته شده‌اند: دسته‌ای که به جمع قرآن در زمان پیامبر (ص) قائل‌اند و دسته دوم به توحید مصاحف در زمان عثمان. در این پژوهش بحث توحید مصاحف در زمان عثمان مد نظر است، زیرا توافق عمومی در کشورهای اسلامی و غرب بر این است که قرآن عثمان بازتاب حقیقی از کتاب مقدس مسلمانان است و این قرآن از اصالت خدشه‌ناپذیر برخوردار است. از این رو در این پژوهش برآنیم تا با رویکرد نوین و نقادانه مبحث تاریخی مربوط به جمع قرآن در دوران خلیفه اول و به‌طور عمده دوران خلیفه سوم را در راستای تبیین یا رد نگرش غربیان به این موضوع بکاویم و سپس به بحث مصاحف صنعا به عنوان مهم‌ترین کلید برای اثبات وثاقت تاریخی قرآن استناد می‌کنیم.

۲. تحلیل عملکرد ابوبکر و عثمان در جمع قرآن

طبق گزارش منابع، داستان جمع قرآن از آن‌جا آغاز شد که، در سال نخست خلافت ابوبکر در جریان پیکارهای مشهور به «رِده»، جمعی از حافظان قرآن در پیکار یمامه کشته شدند و

در پی آن این نگرانی در میان اصحاب پیدا شد که میراث بی‌مانند پیامبر یعنی مجموعه آیات قرآن در معرض نابودی و یا دگرذیسی قرار گیرد و از این رو عمر (و به روایتی زید بن ثابت) به ابوبکر پیش‌نهاد کرد که آیات پراکنده و محفوظ در حافظه‌ها و یا موجود در مکتوبات بی‌نظم جمع‌آوری، مکتوب و مدون شوند^۱ (رامیار، ۱۳۶۹: ۳۰۳-۳۰۴). شواهد نشان می‌دهد که در این زمان مصاحف مختلف و متعدد نزد افراد بوده که از روزگار پیامبر پدید آمده بودند و گویا عمدتاً جنبه شخصی داشته‌اند. البته باید اذعان کرد که حتی با فرض قبول تدوین و تألیف قرآن در زمان پیامبر در دوران پس از پایان نزول وحی و رحلت مهبط وحی نیز تدوین و حداقل ویرایش آیات و مصاحف پیشین در یک مجموعه ضرورتی‌گریزناپذیر بود؛ زیرا تا آخرین لحظات زندگی پیامبر وحی نازل می‌شده و یا احتمال نزول داشته است. در این میان طبعاً مصاحفی که از قبل تنظیم شده بودند عملاً نمی‌توانسته‌اند کامل باشند و یا حداقل به کمالشان اطمینانی نبود. در خصوص نسخه ابوبکر اطلاعات روشنی در دست نیست؛ اجماً گفته شده که این قرآن در عین تجمیع و تدوین فاقد ترتیب سوره‌ها و مجلد بوده است (همان: ۳۹۳). ظاهراً این قرآن تک‌نسخه بود و در جعبه‌ای نهاده شد تا محفوظ بماند و به مردم عرضه نشد؛ گویی قرآنی شخصی و حداکثر قرآن معتبر شخص خلیفه شمرده می‌شد. این نسخه نزد ابوبکر بود و پس از او به عمر سپرده شد و او نیز آن را به دخترش حفصه سپرد. با این‌که این قرآن به دست خلیفه و دستگاه خلافت رسمی تدوین و آماده شده بود، قرآن رسمی نبود و از این رو مردمان و صحابه در پیروی از نسخه‌های مختلف از قرآن آزاد بودند (یعقوبی، ۱۳۷۱: ۲/۱۵).

روایات در خصوص «قرآن عثمانی» نیز گوناگون و گاه متضادند (رامیار، ۱۳۶۹: ۴۱۶)، اما طبق نقل مشهور در زمان عثمان در مورد برخی از امور از جمله قرائت قرآن اختلاف پدید آمد و از این رو خلیفه ناگزیر برای رفع اختلافات موجود به گروهی از قرآن‌شناسان معتبر مأموریت داد، تا با رفع اشکالات و زدودن کاستی‌ها، ویرایش تازه‌ای از قرآن پدید آورند، به گونه‌ای که مقبول و معتمد عموم و اصحاب و بزرگان امت قرار گیرد.

گزارش‌ها حکایت می‌کنند که طی جنگ‌های ارمنستان و آذربایجان جنگاوران درباره شکل حقیقی قرآن اختلاف داشتند. در این زمان مصاحف مختلفی نزد برخی صحابی‌ان وجود داشت (همان: ۳۳۵) و چند قرآن منسوب به چند تن از اصحاب نام‌دار پیامبر و قرآن‌شناسان شناخته‌شده در نواحی مختلف جهان اسلام از شهرت و اعتبار برخوردار بودند؛ اما با توجه به اختلافاتی که از برخی جهات میان این قرآن‌ها وجود داشت، مردمان هر

ناحیه از قرآنی خاص پیروی می کردند و قرآن مختارشان را بر قرآن‌های رقیب ترجیح می دادند؛ مردمان حمص قرآن قرائت مقدار را برتر می دانستند، دمشقی‌ها قرآن ابی بن کعب، کوفیان قرآن ابن مسعود و بصریان قرآن ابوموسی اشعری را معیار تلقی می کردند و قرآن‌های خود را برتر و معتبر می شمردند. در واقع، هر قرائتی منسوب به صحابی‌ای بود و مردم فقط آن صحابی مقتدای خود را می شناختند و دیگری را قبول نداشتند. پس از بازگشت سربازان به کوفه، حذیفه، صحابی پیامبر که در پیکار ارمنستان شرکت داشت (همان: ۴۱۲)، از اختلافات عمیق و گسترده در قرائت‌های قرآن در کوفه و نیز در میان سربازان به‌سختی پریشان و نگران شده بود؛ او نزد عثمان آمد و از این اختلافات اظهار نگرانی کرد. این روند به تصمیم و اقدام خلیفه مبنی بر تنظیم جدید قرآن منتهی شد. تفاوت نسخه‌های قرآن در زمان عثمان ضرورت تدوین مصحف عثمانی و تنظیم متنی مورد پذیرش همگانی را پدید آورد (حجتی، ۱۳۷۲: ۴۴۱-۴۴۷).

قرآن عثمانی از روی قرآن حفصه در چند نسخه استنساخ شد. به فرمان عثمان، سایر نسخ از طرق مختلف (شستن با آب و یا پاره کردن) نابود و طبق قول مشهور سوزانده شدند (نولدکه، ۲۰۰۰: ۳۲۰-۳۲۱).

این گزارش روشن می کند که کم و بیش تمامی نسخه‌های قبل از حکومت عثمان به فرمان شخص خلیفه نابود و محو شد، و اگر محققان غربی برای اثبات وثاقت تاریخی قرآن در پی دست‌نوشته‌های دوران رسول اکرم (ص) یا صحابی تراز اول‌اند کاری لغو و بیهوده است؛ اما وجود نسخ عثمانی یا کمی بعدتر از دوران عثمان، هرچند اوراق پراکنده است، درخور توجه است؛ منازعات غربیان با بررسی دست‌نوشته‌های صنعا و تعیین قدمت و تاریخ دقیق نسخ با توجه به ویژگی‌های حروف و نیز با استفاده از کربن ۱۴ خاتمه می یابد.

۳. اهمیت مصحف عثمان در تعیین قدمت قرآن

مصحف عثمانی به سبب انتشار در تمامی قلمرو اسلامی نقش کلیدی در تعیین قدمت قرآن و بازگشت آن به عهد رسول الله دارد. هرچند از متن اصلی قرآن عثمان ظاهراً نسخه‌ای و یا پاره‌هایی از آن باقی نمانده است، در برخی موزه‌ها و کتاب‌خانه‌ها نسخی وجود دارد که گفته می شود نسخه‌ای از همان قرآن نخستین است؛ البته این امر محرز نیست و نمی توان بدان‌ها اعتماد کرد و هر گونه گزارشی در این باره نیاز به بررسی دارد.

در مورد چگونگی قرآن عثمانی فراوان سخن گفته شده و روایات و تاریخ آن از جهات گوناگون مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. نولدکه در این زمینه به تفصیل بحث و مناقشه کرده و به طور کلی اشکالات ترتیب کنونی سوره‌ها را نشان داده است. این محقق روایات مربوط به قرآن عثمانی را به دو گروه اصلی و غیر اصلی تقسیم کرده و هر دو گروه را به تفصیل نقد جدی کرده و در نهایت مدعی است که در مجموع نمی‌توان به این گزارش‌ها چندان اعتماد کرد (همان: ۲۸۹-۲۹۲).

چالش و چون و چرایی در مورد تدوین قرآن رسمی عثمانی کم‌کم از جهات مختلفی مورد تردید و مخالفت قرار گرفت. این نوع مخالفت‌ها گرچه تا حدودی طبیعی می‌نمود، انگیزه‌های مختلف و گوناگون در آن مدخلیت داشتند. تنظیم جدید قرآن طبعاً به دلایل خاص و به انگیزه‌های معین و به قصد تحقق اهدافی مشخص بود و در چهارچوب معیارها و قواعد خاص انجام می‌شد و این امر به لحاظ منطقی و عملی نمی‌توانست تمام خواسته‌ها و نظریه‌ها و سلیقه‌ها را برآورده کند. یکی از طبیعی‌ترین اعتراض‌ها و اتهام‌ها، از آن زمان تا کنون، دخل و تصرف در قرآن و تحریف مصحف به زیاده و کم بوده و هست (معرفت، ۱۳۷۹: ۱۷-۲۴؛ هریسی، ۱۳۶۰: ۲۷۷-۲۸۰). در این تغییرات گاه انگیزه‌های سیاسی هم مطرح شده است؛ مثلاً ادعا شده که عثمان تمام آیاتی را که در آن‌ها بنی امیه مورد انتقاد قرار گرفته بودند حذف کرده است؛ یا ادعا شده تمام مواردی که در قرآن نام «محمد» آمده در این زمان افزوده شده است. اما نولدکه، به درستی و با مستندات معقول، این اتهامات را مردود می‌داند. وی می‌گوید، به رغم برخی ایرادهای عثمان، وی مردی پارسا و صادق بوده و از این رو بسیار دور است که دست به تحریف «کلام الله» بزند. در مورد افزایش نام «محمد» نیز می‌افزاید تردیدی نیست که نام محمد در میان اعراب پیش از اسلام رواج داشته است (همان: ۳۱۳-۳۲۰). البته مورخان مسلمان هم به این امر اشاره کرده‌اند که محمد نامی شایع میان اعراب بوده است (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۸۵ / ۱). از این واقعیت می‌توان نتیجه گرفت که اگر قرآن در دوران پس از پیامبر جمع و به‌ویژه کتابت شده بود، به احتمال زیاد و به مقتضای فضای رایج آن دوران برخی صحابه برای فضیلت‌تراشی شخصی و یا خانوادگی نام خود را در قرآن داخل می‌کردند و الفاظ و مضامین را به سود خود تغییر می‌دادند، در حالی که از اصحاب پیامبر فقط نام زید بن حارثه در قرآن آمده است (سیوطی، ۱۴۲۱: ۲ / ۳۷۲) و فقدان رخدادهای مذکور نشان می‌دهد که قرآن در زمان پیامبر بر نوشت‌افزارهای آن زمان کتابت و جمع شده بود، به گونه‌ای که دخل و تصرف در آن ناممکن و حداقل دشوار بود.

۴. کشف مصاحف کهن در صنعا

در سال ۱۹۷۲، هنگام تعمیر یکی از ستون‌های مسجد اعظم صنعا که گفته می‌شود تاریخ بنای نخستین آن به زمان حیات پیامبر اسلام (ص) و قدمت ساختمان کنونی آن به ۱۱۰۰ سال پیش برمی‌گردد، کارگران به انبوهی از رقع‌های قرآنی برمی‌خورند که در یکی از حفره‌های این ستون روی هم انباشته شده بودند. در این اثنا، اداره مربوط به اشیاء و آثار باستانی این نوشته‌ها را تحت حفاظت خود درمی‌آورد و از کارشناسان خارجی برای بازسازی آن‌ها بر اساس اصول و موازین علمی تقاضای کمک می‌کند. بخش فرهنگی وزارت خارجه آلمان به این ندا پاسخ مثبت و ملیون‌ها مارک به این کار اختصاص می‌دهد. طرح بازسازی این دست‌نوشته‌ها به دست کارشناسان آلمانی از جمله گرد - آر - پوین و هانس - گراف - ون بوتمر، به پشتیبانی دانشگاه گوتینگن (Göttingen) آلمان، در سال ۱۹۸۱ آغاز می‌شود و سرانجام با هم‌کاری دانشگاه زاربروکن (Saarbrücken) در سال ۱۹۹۷ به مرحله نهایی خود می‌رسد (Puin and Von Bothmer, 1991: 40).

پس از بازسازی و مرمت این دست‌نوشته‌ها شمار آن‌ها به ۱۲۰۰۰ رقع برآورد و معلوم شد که آن‌ها از نظر نوع خط، ماده به کار رفته و سبک نگارش بسیار گوناگون و با هم‌دیگر متفاوت‌اند و به نسخه واحدی از قرآن تعلق ندارند. چنین بود که کارشناسان آن‌ها را به ۹۲۶ گروه یا نسخه دسته‌بندی کردند و مطابق با این تقسیم‌بندی به بررسی و ارزیابی آن‌ها پرداختند (ibid).

۱.۴ ویژگی‌های دست‌نوشته‌های صنعا

در میان این ۱۲۰۰۰ رقع، فقط یکی از آن‌ها دارای تاریخ و آن هم مربوط به سده چهارم هجری یعنی رمضان ۳۵۷ هجری است. تاریخ قدیمی‌ترین پوست‌نوشته بر اساس نظر کارشناسانه بوتمر، که متخصص تاریخ هنر و تذهیب و نقاشی کتاب‌های اسلامی است، به سال ۹۰ هجری و بر اساس آزمایش‌ها و تجزیه و تحلیل شیمیایی، که به کمک متخصصان علوم طبیعی صورت گرفته است، به میانه سال‌های ۲۵ تا ۵۸ هجری برمی‌گردد (ibid: 41-45).

همه این نسخه‌ها (در مقایسه با قرآن موجود) ناقص‌اند؛ بدین معنی که هیچ‌یک از آن‌ها دارای ۱۱۴ سوره نیست، اما در مجموع هر ۱۱۴ سوره را در بر دارند. هرچند طبق گزارش دیگری، نسخه کامل قرآن هم که مربوط به اواخر سده اول است در میان این

دست‌نوشته‌های پوستی موجود است که، بر اساس مطالعات روی مواد چرمی، قدمت آن به بین سال‌های ۹۲ تا ۹۷ هجری می‌رسد. این قرآن ۵۲۰ صفحه است و کل قرآن را در بر دارد. هر صفحه از این قرآن شامل ۲۰ سطر است. ابعاد سرلوح این قرآن ۵۰×۴۷ سانتی‌متر است که بخشی از آن صدمه دیده است (خزایی، ۱۳۸۲: ۲۴-۲۵)؛ اما این گزارش تأیید نهایی نشده و نویسنده آن هیچ اشاره‌ای به مأخذ این گزارش نکرده است. مجموعه‌های ناقص قرآن در ۹۲۶ گروه/نسخه جای گرفتند که هفت گروه آن‌ها حاوی نخستین سوره، حمد، و پنج گروه/نسخه دیگر دارای دو سوره آخر یعنی سوره‌های فلق و ناس‌اند. این موضوع از این نظر جالب است که حدس و گمان‌های برخی از اسلام‌شناسان غربی مبنی بر کم و زیاد شدن تعداد سوره‌های قرآنی را در بوتۀ تردید می‌افکنند؛ از جمله گفته شده است که ابن مسعود، صحابی معروف، سوره‌های حمد، فلق و ناس را جزء قرآن نمی‌دانست، هرچند به وحیانی بودن آن‌ها باور داشت؛ یا این‌که به زعم مصحف ابی بن کعب، یکی دیگر از صحابیان معروف، قرآن دارای ۱۱۵ سوره بود؛ و روایات متناقض و متفاوتی که در خصوص جمع قرآن و کیفیت جمع‌آوری آن در منابع مهم مسلمانان آمده است؛ همین نظریه‌های ضد و نقیض منجر به ظهور این نظریه شده است که گفته می‌شود قرآن نه در زمان پیامبر و حتی نه در زمان عثمان، بلکه در درازای چند صد سال صورت کنونی خود را پیدا کرده است؛ بدین معنی که مسلمانان در طول زمان پیوسته به متن آن افزوده‌اند و خلاصه این‌که قرآن موجود متن واحدی نیست! (Hawting, 1999: 11, 13, 55-58; Wansbrough, 1977: 44, 45, 49, 208, 223).

اما بوتمر در این باره می‌گوید:

تا آن‌جا که این نسخه‌ها از گزند مصون مانده است با متن قرآن موجود کاملاً منطبق است. هم سوره نخست (حمد) را در بر دارد و هم سوره آخر (ناس) را. بدین ترتیب، این نسخه‌ها این فرضیه را که گفته می‌شود تدوین نهایی قرآن در پایان سده دوم یا حتی سده سوم هجری صورت گرفته است باطل می‌سازد (Puin and Von Bothmer, 1991: 46).

۲.۴ تفاوت دست‌نوشته‌ها با قرآن موجود

بر اساس تحقیقات انجام‌شده به دست پوین و بوتمر بر روی نسخ صنعا که تاکنون از انتشار آن خودداری شده است، این‌گونه گزارش شده است که تفاوت‌هایی میان دست‌نوشته‌های صنعا و قرآن امروزی دیده می‌شود:

۱.۲.۴ تفاوت از نظر نظم و ترتیب سوره‌ها

نظم و ترتیب یا چینش سوره‌ها در دست‌نوشته‌های قرآنی صناعا با چینش سوره‌ها در قرآن موجود، که از آن با عنوان قرآن عثمانی یاد می‌شود، متفاوت است (ibid: 41-45)؛ اما آیا این ناهماهنگی زبانی به اصالت قرآن خدشه‌ای وارد می‌کند؟

اکثر قرآن‌پژوهان مسلمان قائل به توقیفی بودن نظم و ترتیب سوره‌های قرآنی نیستند، بلکه ترتیب کنونی را بر اساس ذوق و سلیقه و تشخیص تدوین‌کنندگان نهایی قرآن قلمداد می‌کنند. فقط سه سوره از قرآن کنونی با ترتیب نزولشان به روایت ابن عباس و جابر بن زید مطابقت می‌کنند (معرفت، ۱۳۸۶: ۷۸-۷۹). اما صرف نظر از درستی یا نادرستی این روایات در یک نکته نمی‌توان تردید کرد و آن این‌که ذهن مسلمانان از همان آغاز با این مسئله، یعنی به ترتیب زمانی نبودن سوره‌های قرآنی، آشنا بوده است؛ در نتیجه، نظم و ترتیب سوره‌ها در دست‌نوشته‌های قرآنی صناعا برای آن‌ها اصلاً شگفت‌انگیز نخواهد بود.

۲.۲.۴ تفاوت از نظر کتابت و نگارش

در زمان نزول و کتابت اولیه قرآن، خط عربی در مرحله آغازین خود فاقد اعجام (نقطه‌گذاری) و اعراب (علامت‌گذاری) بود؛ برای مثال، برای نوشتن حروف «ب، ت، ث، ی و ن» فقط یک حرف به کار می‌رفت. این نقص و نبودن علائم فتحه، ضمه، کسره و تنوین قرائت قرآن را با دشواری‌های زیادی روبه‌رو می‌کرد، که گاه یگانه راه‌حل آن فقط به کمک سماع ممکن بود: «از این رو، در صدر اول، قرائت قرآن فقط به سماع و نقل موکول بود و، جز از طریق شنیدن، قرائت قرآن تقریباً ممتنع بود» (همان: ۱۳۸). علاوه بر اعجام و اعراب، نوع نگارش و به‌اصطلاح رسم‌الخط عثمانی بر قرائت صحیح تأثیر می‌گذاشت.

رسم‌الخط مصحف عثمانی، در مقایسه با رسم‌الخط عمومی و متداول، دارای ناهنجاری‌های املائی فراوان و تناقض‌های بسیار در نحوه نوشتن کلمات بود؛ به گونه‌ای که اگر قرآن از طریق سماع و تواتر در قرائت ضبط نمی‌شد و مسلمانان با دقت تمام به حفظ آن نمی‌کوشیدند، امروزه قرائت صحیح بسیاری از کلمات محال می‌نمود (همان: ۱۴۰). آیت‌الله معرفت به وجود اغلاط فراوان املائی در قرآن کنونی اعتراف می‌کند؛ و مسلمانان از دیرباز از این امر آگاهی داشته‌اند و به صورت‌های گوناگون درصدد توجیه آن برآمده‌اند:

ابن المبارک از شیخ خود عبدالعزیز الدیباغ نقل می‌کند که او گفته است، رسم‌الخط قرآن سری از اسرار خداوند است و تعیین آن از پیامبر (ص) است. آن حضرت دستور داده است که قرآن را به این شکل بنویسند و نویسندگان بر آنچه از پیامبر (ص) شنیده‌اند، هیچ نیفزوده‌اند و از آن هم چیزی نکاسته‌اند (همان: ۱۴۴).

صبحی صالح در رد این نظریه چنین می‌گوید:

تردیدی نیست که این مطالب غلو و مبالغه‌ای دربارهٔ تقدیس رسم‌الخط مصحف عثمانی است و تکلیفی است که ما فوق آن تصور نمی‌شود، زیرا از منظر دور است که رسم‌الخط را امری توقیفی و با دستور پیامبر (ص) بدانیم و یا تصور کنیم که مشتمل بر اسراری است (صبحی صالح، ۱۹۸۸: ۲۷۷).

در این زمینه قاضی ابوبکر باقلانی (متوفی در ۴۰۳ ق) در کتاب *الانتصار* چنین می‌گوید:

خداوند شکل و نحوهٔ خاصی از کتابت و نوشتن را بر مردم واجب نکرده است. برای نوشتن قرآن، رسم‌الخط خاصی معین نشده است که کاتبان بر طبق آن قرآن را ثبت کنند و از غیر آن بپرهیزند، زیرا وجوب این موضوع منوط به وجود مدرک شرعی است و در نصوص کتاب به این موضوع اشاره‌ای نشده است که باید کتابت، ثبت و ضبط قرآن به طریقه‌ای خاص و با خطی معین انجام گیرد و از آن تجاوز نشود ... پیامبر (ص) فقط به کتابت قرآن امر کرد و هیچ طریقهٔ خاص و رسم‌الخط معینی را برای نوشتن آن معین نکرد و هیچ کس را از کتابت آن نهی نفرمود. از همین رو، خطوط مصحف‌ها مختلف است و هر گروهی با روشی که بین خود آنان متداول بوده است قرآن را نوشته‌اند (به نقل از معرفت، ۱۳۸۶: ۱۴۹).

از آنچه گذشت درمی‌یابیم که مسلمانان از دیرباز از وجود اغلاط فراوان املائی در قرآن آگاه بوده‌اند، اما این امر خدشه‌ای به اصالت قرآن در تصور آن‌ها وارد نکرده است، بلکه برعکس، آن‌ها این موضوع را گواه صدقی بر تحریف و تغییر نیافتن متن قرآنی گرفته‌اند: «اشتباهات املائی که در مصحف هم‌چنان باقی بوده و تغییر داده نشده حجتی بر سلامت قرآن از هر گونه دست‌برد و تحریف است» (همان).

ببزین (Bobzin)، استاد اسلام‌شناسی و زبان‌های سامی، که آخرین ترجمهٔ قرآن به زبان آلمانی هم به دست وی صورت گرفته است، همین امر را تأیید می‌کند:

اگر متن [مصحف] عثمانی را با آنچه از مصحف ابن مسعود باقی مانده است مقایسه کنیم، متوجه می‌شویم که ابن مسعود به متنی ساده‌تر، طولانی‌تر و اغلب با شروح و توضیح تمایل داشت. این امر مؤید این مقوله است که متن [مصحف] عثمانی، به سبب تصحیح نشدن اغلاط املائی، از درجهٔ بسیار بالایی از اصالت برخوردار است (Bobzin, 2009: 103).

پویین که گویی خیال می‌کند مسلمانان قرآن کنونی را عاری از اغلاط نگارشی و املائی می‌دانند، پس از شرح مفصلی دربارهٔ شیوهٔ نگارش این پوست‌نوشت‌ها و تفاوت آن‌ها با قرآن کنونی و ذکر مواردی از اشتباه‌های نگارشی، که اتفاقاً در موارد بسیاری با آنچه آیت‌الله معرفت می‌گوید هم‌خوانی دارد، چنین می‌گوید:

پژوهش روی دست‌نوشته‌های صنعا نه در قرآن تغییری می‌دهد و نه در باور و ایمان مسلمانان بدان. اما برای مثال صلاحیت این را دارد که، بر اساس آوردن شواهدی قطعی از قدیمی‌ترین متونی که به دست خود مسلمانان نوشته شده‌اند، پایه سنت شفایی نقل قرآن را، که تاکنون پنداشته می‌شود از گزند تغییر مصون مانده است و خاورشناسی هم آن را پذیرفته است، به لرزه درآورد (Puin, 1991: 40).

بنابراین، این دست‌نوشته‌ها، به فرض صحت و اصالت و قدمتشان، حاوی مطالب آن‌چنان تازه‌ای نیستند که به طور کلی برای پژوهش‌گران مسلمان در حوزه علوم قرآنی ناآشنا باشند و برخلاف آنچه برخی خاورشناسان می‌پندارند بیش‌تر مؤید قرآن کنونی‌اند.

۳.۴ محققان مصاحف صنعا

از زمان کشف نسخه‌های قرآنی مسجد صنعا تا کنون پژوهش‌گران متعددی آن‌ها را بررسی و مطالعه کرده‌اند. گرد - آر - پوین کارشناس آلمانی است که دولت آلمان او را برای ترمیم نسخه‌های خطی از جمله قرآن‌های خطی به یمن فرستاد. وی تحقیقات پای‌دار و طولانی درباره مصاحف صنعا داشته است. وی در خصوص متن قرآن می‌گوید: از نظر من قرآن ملغمه‌ای از متون مختلف است که چه بسا معانی بسیاری از آن‌ها در زمان محمد [نیز] به درستی درک نشده بود. خیلی از آن‌ها ممکن است یک سده پیش از ظهور اسلام نوشته شده باشند. حتی در درون متون سنتی اسلام هم مجموعه عظیمی از اطلاعات متضاد و متفاوت از فرهنگ‌ها و ادیان مختلف، به‌ویژه متون مسیحی، به چشم می‌خورد که با کنار هم گذاشتن آن‌ها می‌توان بخش عظیمی از ضد تاریخ (شبه تاریخ) (anti history) معادل اسلام را استخراج کرد. قرآن خود ادعا می‌کند که «مبین» یا آشکار و روشن است، ولی وقتی به آن نگاه می‌کنید می‌بینید که از هر پنج جمله یکی (یا چیزی هم‌مین حدود) آشکارا بی‌معنی است. البته مسلمانان تفسیر دیگری از این مسئله دارند، اما واقعیت این‌جاست که حدود یک‌پنجم قرآن درک‌ناپذیر است؛ به این سبب است که این تضاد تاریخی حول بحث چگونگی ترجمه قرآن شکل گرفته است؛ اگر قرآن درک‌ناپذیر باشد و حتی به زبان عربی قابل فهم نباشد، طبیعتاً به زبان دیگر هم ترجمه‌پذیر نخواهد بود (پوین، ۱۹۹۶: ۱۰۷-۱۱۱). اما دست‌نوشته‌های صنعا به‌ویژه چهار تکه خاص که مزین به نقش و نگار معماری آن دوره بودند و نیز دست‌نوشته دولایه‌ای توجه پوین را به طور ویژه‌ای به خود جلب کردند. این تکه‌ها حاوی اولین و آخرین سوره‌های قرآن بودند و، برخلاف هر یک از قرآن‌های موجود، آن‌ها مصور به نقش‌های معماری مساجد بودند که «اصل بودن» آن‌ها را تأیید

می‌کرد. پوین می‌گوید: از روی نقش‌ها و متن تاریخی این یافته به‌صراحت می‌توان گفت که آن‌ها متعلق به دوران ولیدند؛ یعنی دورانی میان سال‌های ۷۰۵ تا ۷۱۵ میلادی؛ یعنی قدیمی‌ترین قرآن در جهان که تاریخش مشخص است حدود ۷۰ سال پس از رحلت پیامبر یعنی ربع سوم سده اول هجری نوشته شده است و این نتیجه خلاف نظریه پرچالش ونزبرو و طرف‌دارانش مبنی بر تدوین قرآن در سده سوم هجری است؛^۲ از سوی دیگر، اجرای تکنیک‌های رایج بر متون تاریخی آشکار ساخت که دست‌نوشته دولایه‌ای شامل دو متن است؛ یکی متن نوشته‌شده بر پوست مورد نظر و دیگری متنی که در زیر متن اصلی بوده که قبلاً شسته شده و دوباره روی همان پوست متن جدید نوشته شده است. گرچه متن‌های آشکار شده معنایی غیر از متون نوشته‌شده نداشتند، کلمات عوض شده بودند و ترتیب سوره‌ها تغییر کرده بودند. پوین این مطلب را به گونه‌ای دیگر تبیین کرد و اذعان کرد که اگر تحقیقات در مورد زمان نگارش این نسخه صحیح باشد، نشان می‌دهد که قرآن در حقیقت یک نگارنده و مؤلف ندارد و در سال ۶۵۰ میلادی جمع نشده است؛ بلکه در واقع، خیلی بعد از آن بسط داده شده است و این نسخه و محتوایش مخفی شده است (Puin, 1997: 40).

این برداشت پوین سبب شد که از یک سو دست‌نوشته دولایه‌ای صنعا بسیار مورد توجه خاورشناسان قرار گیرد و، از دیگر سو، محققان بر این گمان رفتند که پژوهش پوین نتایج به دست آمده از پژوهش جان ونزبرو و شاگردش جرالدهاوتینگ را تأیید می‌کند که بر اساس آن قرآنی که می‌شناسیم به زمان محمد (ص) بر نمی‌گردد؛ در حالی که تحقیقات اخیر عکس نتایج پوین را ثابت کرده است.

کریستف لوکنبرگ نیز بر اساس تحقیقاتی که روی متون یافته‌شده در صنعا انجام داده و محور اصلی روش وی به «قرآن‌شناسی تطبیقی» موسوم است می‌گوید: در زمان فوت پیامبر اسلام (۶۳۲ م) کتاب مقدس مسلمانان یعنی قرآن به شکل امروزی وجود نداشت. شکل امروزی قرآن در واقع در زمان خلیفه سوم، عثمان، (بین سال‌های ۶۴۴ تا ۶۵۶ م) نهایی شد و به تمام مناطق فرستاده شد و نسخه‌های دیگر و یا عبارتهایی که با عبارتهای موجود در نسخه تهیه‌شده به دست عثمان اختلاف داشت از بین برده شد.

کتاب مقدس مسلمانان (قرآن) به شکل فعلی آن به کمک افرادی جمع‌آوری شد که قسمت‌هایی از آن را از حفظ می‌دانستند و یا روی پوست یا استخوان نوشته بودند. در آن سال‌ها خط عربی فقط دارای ۱۸ حرف بود و به لحاظ نوشتاری کامل نبوده است. نگارش قرآن به سده هفتم میلادی برمی‌گردد، ولی متون عربی و ادبیات عربی کامل از دو سده پس از آن در سده نهم ظاهر می‌شود؛ یعنی هم‌زمان با نگارش زندگی‌نامه پیامبر به قلم ابن هشام

در ۸۲۸ میلادی. بدین ترتیب، اولین واژه‌شناسی عربی مبتنی بر ادبیات قرآن در سال ۷۸۶ میلادی به دست خلیل ابن احمد در کتاب *العین*، یعنی ۱۵۰ سال پس از مرگ پیامبر اسلام، منتشر شد؛ از این رو، زمان تدوین و یکسان‌سازی نسخ متعدد قرآن در عصر عثمان است (Luxenberg, 2000: 9-15). سایر خاورشناسان نیز این تحقیقات را پی‌گیری کردند و به نتایج گوناگونی رسیدند؛ از جمله مؤثرترین نتایج از آن جان ونزبرو است که نتایج تحقیقاتش تاریخ به‌نسبت دورتری را برای قرآن رقم زده است. اما بحث و کنکاش در خصوص مصاحف صنعا به‌ویژه دست‌نوشته دولایه‌ای تا حدودی این نظریات را متزلزل ساخت و تحقیقاتی که سایر خاورشناسان^۳ بر اسناد و متون روایات جمع قرآن انجام داده‌اند ضعف علمی این نظریات را ثابت کرده است. بر این اساس، ضروری است که این دست‌نوشته بیش‌تر بررسی شود.

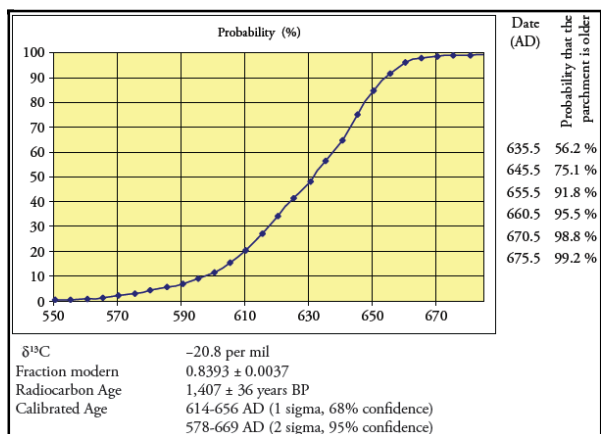
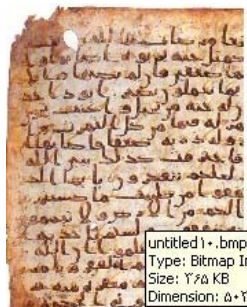
۴.۴ مشخصات دست‌نوشته دولایه‌ای صنعا^۴

این نسخه به خط حجازی نوشته شده است؛ هر دو لایه نوشته از قرآن است و هر لایه یک نسخه خطی کامل به نظر می‌رسد (Sadeghi and Goudarzi, 2012: 6-7). آزمایش‌های رادیوکربن نشان می‌دهند که این دست‌نوشته احتمالاً تا ۱۵ سال پس از درگذشت پیامبر اسلام (ص) نوشته شده است (ibid). متن بالایی از متن سستی (مراد متنی که بعد از توحید مصاحف به دست عثمان تدوین شد) است و احتمالاً در طول سده هفتم یا نیمه اول سده هشتم میلادی نوشته شده است. الگوی تقسیم آیات در نسخه دولایه‌ای مشابه به تفسیر (تقسیم ده‌تایی آیات) آیات در نسخه‌هایی که به خط حجاز نگاشته شده (که جزء نسخ بسیار کهن‌اند) گزارش شده است و این نحوه از تقسیم آیات می‌تواند در تعیین قدمت نسخ مؤثر باشد. این امر دلیل محکمی برای اثبات قدمت آثار نیست، اما در تحقیقات اخیر بدان استناد شده است^۵ (Sadeghi and Bergmann, 2010: 343-436).

متن بالایی قرآن نوشته‌شده بسیار جذاب و جالب است و مطابق قرآن فعلی است، ولی نوشته زیرین تفاوت‌های چشم‌گیری با قرآن فعلی دارد؛ این امر توجه خاورشناسان را به خود جلب کرده و آنان بر این نظر شده‌اند که قرآنی که در زمان عثمان جمع شده دست‌کاری شده و تفاوت‌های موجود این نظریه را تأیید می‌کند؛ برای مثال، در سوره بقره آیه ۸۷، متن زیرین به صورت «و قفیا علی آثاره» است، در حالی که متن استناددارد به صورت «و قفینا من بعده» است. البته این‌گونه تفاوت‌ها مشابه تفاوت‌هایی هستند که در تاریخ مسلمانان میان مصحف ابن مسعود و مصحف ابی بن کعب و قرآن امروزی نقل

شده‌اند. محققان بر این عقیده‌اند که متن زیرین دست‌نوشته پاک شده و متن رویین روی آن نوشته شده است؛ ولی، به علت باقی ماندن فلزات، جوهر استفاده‌شده متن دوباره به رنگ قهوه‌ای روشن دیده می‌شود (ibid).

تحقیقات نشان می‌دهد که برای پاک کردن متن زیرین چند دلیل ممکن است وجود داشته باشد: یکی آن‌که برخی از صفحات نسخه قدیمی از بین رفته و نیاز به نوشتن دوباره متن بوده و برای این منظور از پوست‌های در دسترس استفاده شده است. این عادت در زمان باستان معمول بود. زمانی که بخش بزرگی از متن پاک می‌شد (جوهر به‌خوبی کاغذ به پوست نمی‌چسبید) تمام متن از پوست شسته و دوباره نوشته می‌شد و به این ترتیب از کاغذهای پوستی گران‌بها دوباره استفاده می‌شد؛ و دیگر آن‌که در زمان یکی کردن متون قرآنی به دست عثمان متن زیرین محو شده و متن مصحف عثمان جای‌گزین شده است. نظریه دوم با آزمون کربن ۱۴ سازگارتر است که احتمال نوشته شدن متن قبل از یکی کردن مصحف‌های قرآنی به دست عثمان است؛ بنابراین، متن زیرین به احتمال ۷۵ درصد قدیمی‌تر از ۶۵۰ میلادی و ۹۵ درصد قدیمی‌تر از ۶۶۰ میلادی است (ibid: 352-354).



رادیوکربن نشان می‌دهد که در نسخه خطی یا دست‌نوشته‌های دولایه‌ای صنعا آیاتی بوده که پاک شده و دوباره روی آن نوشته شده است؛ صفحه‌ای که گمان می‌شود قسمتی از نسخه خطی DAM 01-27.1 باشد که به‌تازگی تاریخ‌گذاری رادیوکربن رویش انجام شد و در طیف نمای گروه شتابنده در آزمایشگاه دانشگاه آریزونا تحلیل شد. بنا بر تحقیقات صادقی و برگمان بر این نسخه به دست می‌آید که این کاغذ پوست با احتمال ۶۸ درصد به زمانی بین ۶۱۴-۶۵۶ میلادی و با احتمال ۹۵ درصد به زمانی بین ۶۱۲-۶۶۹ میلادی تعلق دارد. تاریخ‌گذاری کربن ۱۴ مربوط به این متن نشان می‌دهد که این متن ممکن است به نیمه اول یا دوم سده هفتم یا هشتم میلادی (عموماً به سده اول هجرت) مربوط باشد. صادقی و برگمان اشاره کرده‌اند که، طبق دلایل تاریخی، این احتمال وجود دارد که کاغذ پوست قدیمی‌تر از تاریخ اخیر باشد؛ یعنی، ۷۵/۱ درصد یا به احتمال ۳ به ۱ قدیمی‌تر از سال ۴۶۴ میلادی است. بر این اساس، آن‌ها اشاره می‌کنند که احتمال قوی آن است که این نسخه بیش‌تر از ۱۵ سال بعد از رحلت پیامبر (۶۳۲ م) تولید نشده است.

در واقع، نتایج به دست آمده در پژوهش صادقی و برگمان در تاریخ‌گذاری این نسخه که با روش کربن ۱۴ صورت گرفته است با نتایج روش دیگری موسوم به پلی‌گرافیک (palaeographic)^۱ که اسکروز از آن استفاده کرده تقریباً با یک‌دیگر هم‌پوشانی دارند و از آن محاسبات نیز همین نتیجه‌گیری به دست آمده است. طبق اندازه‌گیری‌های کربن ۱۴ طی دوره‌های تعیین‌شده نمونه‌ها در توافق منطقی با پلی‌گرافیک در برخی دوره‌ها تخمین زده شده‌اند؛ البته در آن نمونه‌هایی که تخمین ممکن بوده است. در ۶۸ درصد از تاریخ‌گذاری‌های این نمونه‌ها محدوده خاصی مشخص بوده است. اگر این محدوده از ۱^۱ به ۲^۲ افزایش پیدا کند، بر حسب درصد هم از ۶۸ درصد به ۹۵ درصد افزایش می‌یابد (ibid).

این نسخه دولایه‌ای، به‌ویژه لایه زیرین آن، نظریه و نزبرو را با چالش جدی مواجه ساخته است و می‌توان به طور قطعی وثاقت تاریخی متن را به واسطه آن ثابت کرد و قدمت تاریخی متن قرآن را به سال ۲۵ هجری یعنی ۱۵ سال بعد از رحلت پیامبر (ص) تاریخ‌گذاری کرد.

از نسخه دولایه‌ای حدود ۸۰ برگ شناخته شده است: ۳۶ برگ در دارالمخطوطات یمن، ۴ برگ در کلکسیون‌های شخصی (پس از حراج شدن در خارج از یمن) (ibid: 343-436) و ۴۰ برگ در کتابخانه شرقی مسجد جامع صنعا (غسان، ۲۰۰۴: ۵-۱۵). بسیاری از

برگ‌ها در دارالمخطوطات از نظر فیزیکی ناقص‌اند (شاید به علت آسیب‌دیدگی)، در حالی که برگ‌هایی که در کلکسیون‌های شخصی و کتاب‌خانه شرقی‌اند همه کامل‌اند. این ۸۰ برگ تقریباً نصف قرآن را در بر می‌گیرند. متن زیرین برگ‌های موجود در کتاب‌خانه شرقی هنوز مطالعه نشده‌اند، ولی برگ‌های موجود در دارالمخطوطات و آن‌هایی که حراج شدند بررسی شده‌اند. محقق آلمانی، الیزابت پوین (از دانشگاه سارلند)، متن زیرین ۶ برگه و یک سمت برگ دیگر را رونویسی و در چهار مقاله پیاپی منتشر کرد.^۷

شاید یکی از امتیازهای برجسته در نسخ کهن یافت‌شده در صنعا نگارش آن‌ها بر ورق‌های پوستی است؛ این امر موجب شده که پژوهش‌گران بتوانند تاریخ آن‌ها را با استفاده از کربن ۱۴ تعیین کنند. اما باید گفت کربن ۱۴ تاریخی دقیق‌تر از شیوه پژوهش با استفاده از ویژگی‌های حروف نسخه‌های خطی به دست نمی‌دهد و نوسان حاصل از کارکرد تعیین زمانی در آثار باستانی با استفاده از این دو شیوه چندان تفاوتی ندارد. چنانچه حسن مصری در مقاله‌ای در مجله *الاطلال* این شیوه را بازبینی کرده و برخی موارد را در جدول‌هایی مشخص کرده است (حسن مصری، ۱۴۱۱: ۷۶). هرچند برخی محققان استفاده از ویژگی‌های حروف در نسخه‌های خطی را شیوه‌ای دقیق‌تر دانسته‌اند، چرا که ویژگی حروف تاریخ نسخه را به اندازه یک درصد یا حتی کم‌تر از یک درصد نشان می‌دهد و این همان روشی است که پژوهش‌گر آلمانی گرد پوین برای تعیین تاریخ مصاحف صنعا در پیش گرفت (پوین، ۱۹۹۶: ۲۱).

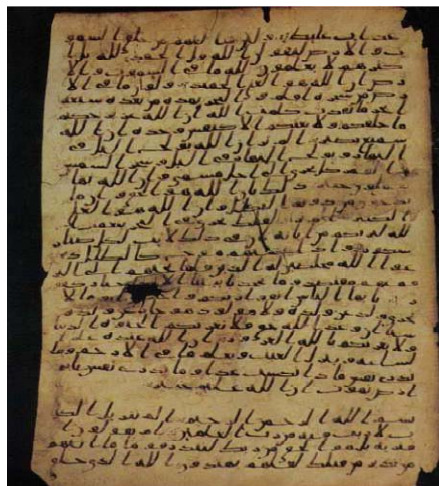
اکنون، با توجه به بررسی‌هایی که در نوع خط نسخ کهن مربوط به سه سده اول هجری صورت گرفته، می‌توان گفت که نسخ خیلی قدیمی که به خط حجاز مایل‌اند مربوط به نیمه اول یا دوم سده اول و سایر نسخ متعلق به اواخر سده اول، دوم و سوم‌اند و همه آن‌ها به خط کوفی نوشته شده‌اند که به مرور تغییر کرده و بهبود یافته‌اند، تا این‌که در سده سوم به مرحله‌ای واضح‌تر و زیباتر از سده اول و دوم رسیده‌اند. از نظر قدمت زمانی هم با استفاده از این دو شیوه (کربن ۱۴ و ویژگی حروف در نسخ) تاریخ تقریبی و پیش‌نهادی محققان برای این نسخ سده اول هجری و به عبارتی دیگر بین سال‌های ۵۸ تا ۹۰ هجری در نظر گرفته شده است؛ البته غیر از نسخه دولابه‌ای صنعا که تاریخ تقریبی و پیشنهادی لایه زیرین آن، به نظر کارشناسان، با شیوه کربن ۱۴ و ویژگی حروف آن، سال ۲۵ هجری در نظر گرفته شده است. اگر این تاریخ مورد تأیید سایر کارشناسان قرار گیرد می‌توان خط بطلانی محکم بر نظریه ونزبرو و طرف‌دارانش کشید.

۱.۴.۴ مقایسه تطبیقی

مقایسه قرآن‌های کهن موجود در مرکز نسخه‌های خطی صنعا که در سال ۱۹۷۲ کشف شده با قرآن‌های چاپی حاضر نشان می‌دهد که اختلاف فقط در رسم‌الخط و کیفیت نگارش کلمات قرآنی است، و وجود این‌گونه اختلاف‌ها در نسخه‌های کهن قرآنی هیچ‌گونه معارضتی با وثاقت تاریخی قرآن ندارد. تصاویری که در ذیل به آن‌ها اشاره می‌شود توسط مرکز نسخه‌های خطی در تاریخ ۱۸ محرم ۱۴۲۱ قمری مصادف با ۲۴ فوریه ۲۰۰۰ میلادی تهیه شده‌اند (پوین، ۱۹۹۶: ۲۱).

۵.۴ شرح نسخ خطی صنعا^۱

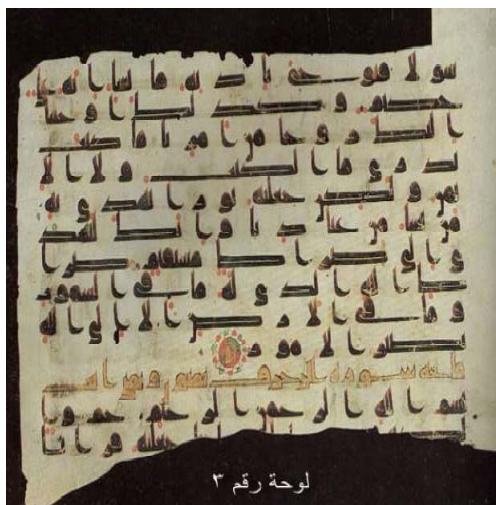
شرح نسخه خطی ۱:



۱. منبع: کتاب مصاحف صنعا تصویر ۳، ص ۴۳.
۲. حجم: طول ۳۳/۸ سانتی‌متر عرض ۲۶/۲ سانتی‌متر.
- ۳ محتوا: سوره اعراف از نیمه آیه ۳۷ تا نیمه آیه ۴۴.
۴. تاریخ: سده اول هجری مطابق با تاریخ‌گذاری پوین در کتاب مصاحف صنعا.
۵. توصیف کلی: بر لوح اثر رطوبت رو به خارج و در سمت راست پوست وجود دارد. از همان سمت یک قطعه جدا شده، در نتیجه یک کلمه گرفته شده و در سطر بعدی ذکر شده است. در خط نهم نیز علامت تعشیر (علامتی برای جدا کردن آیات به صورت ده‌تا ده‌تا) وجود دارد.

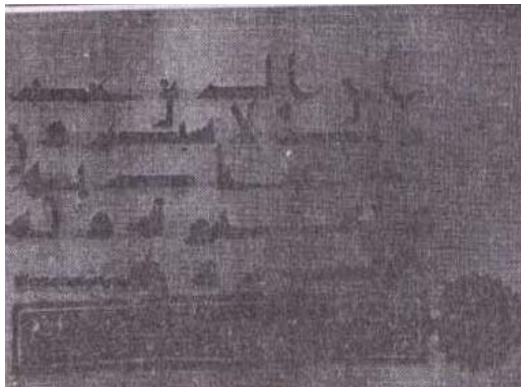
۶. میان نسخه خطی و چاپی معاصر جز در کلمه «کلما» اختلافی وجود ندارد. این کلمه در نسخه خطی جدا از هم به صورت دو کلمه (کل ما) نوشته شده است، در حالی که در نسخه چاپی سر هم است (کلما)، اما با همان حروف و همان لفظ و همان معنا.

توصیف لوح خطی ۳:

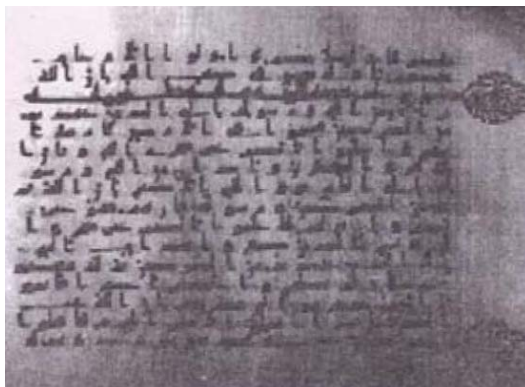


۱. منبع: کتاب مصاحف صنعا، تصویر ۴، ص ۴۴.
۲. حجم: طول ۳۷/۱ سانتی متر، عرض ۲۸ سانتی متر.
۳. محتوا: سوره لقمان از آیه ۲۴ تا آخر سوره آیه ۳۴ و از آیه اول سوره سجده تا نیمه آیه ۴ از همان سوره.
۴. تاریخ: سده اول هجری؛ همان گونه که گرد پوین در کتاب مصاحف صنعا مشخص کرده است (پوین، ۱۹۹۶: ۲۱).
۵. توصیف کلی: لوح از اطراف خورده شده و از نیمه صفحه حدود دو کلمه جدا شده است. آثار رطوبت و نفوذش در آن پیداست و در حاشیه بالا و وسط آن برخی نقطه‌های حروف شکافته شده است.
۶. اختلافی میان نسخه خطی بالا و نسخه چاپی امروزی وجود ندارد، جز در کلمه «إنما»؛ این کلمه در نسخه خطی به صورت دو کلمه جدا نوشته شده (إن ما)، در حالی که در نسخه چاپی به صورت یک کلمه (إنما) است، اما با همان حروف و همان لفظ و همان معنا.

توصیف لوح خطی ۵:



۱. منبع: مرکز نگه‌داری نسخه‌های خطی صنعا، ۹.
 ۲. حجم: طول ۴۹ سانتی‌متر، عرض ۳۵ سانتی‌متر.
 ۳. محتوا: سوره کهف از آیه ۱۷ تا بخشی از آیه ۲۸.
 ۴. تاریخ: سده دوم هجری.
 ۵. توصیف کلی: در پایین سمت چپ قطعه بزرگی جدا شده است و اثر رطوبت در بالای سمت راست مشاهده می‌شود؛ برخی حروف دارای نقطه‌اند؛ علامتی در سطر سیزدهم وجود دارد که نشان‌دهنده تمام شدن ده آیه است.
 ۶. اختلافی میان نسخه خطی و چاپی معاصر وجود ندارد. در نسخه چاپی به قرائت عاصم کلمه «بشرک» دو نقطه زیر «ی» غیبی دارد که در نسخه خطی طبق قرائت ابن عامر شامی نقطه روی «ت» خطاب است^۱ (الزاهره و قاضی، ۱۹۹۶: ۱۹۱).
- توصیف لوح خطی ۷:



۱. منبع: مرکز نگه‌داری نسخه‌های خطی صنعا، ۱۲.
 ۲. حجم: طول ۴۳/۵ سانتی‌متر، عرض ۳۵ سانتی‌متر.
 ۳. محتوا: دو کلمه از آخر آیه ۲۲۶ و آیه پایانی ۲۲۷ سوره شعراء و از ابتدای سوره صفات تا آخر آیه ۲۸ همان سوره.
 ۴. تاریخ: سده دوم هجری.
- توصیف کلی: اگرچه آثار رطوبت بر این لوح پیداست، تا کنون به‌خوبی حفظ شده است و میان دو سوره، جز بسم الله، هیچ فاصله‌ای نیست. نقطه حروف به‌طور پراکنده وجود دارد و نقطه اعراب ابو الاسود اغلب در آخر کلمات به رنگ قرمز است.
۶. در نگارش کلمات میان نسخه خطی بالا و نسخه چاپی موجود جز در علامت بعد از کلمه (قل) در خط سوم ما قبل آخر اختلافی نیست که به هر حال ارتباطی با رسم الخط قرآن ندارد.

۵. نتیجه‌گیری

از آنچه گفته شد می‌توان بر موارد زیر به عنوان نتیجه تأکید کرد:

۱. مسئله جمع قرآن و تدوین نهایی آن بسان سنت شفاهی در کتاب مقدس نیست که در فرایند زمانی به‌نسبت طولانی و به دست افراد متعدد صورت گرفته باشد، بلکه در عصر پیامبر (ص) مسلمانان به دستور پیامبر (ص) به امر کتابت اهتمام ویژه‌ای داشته‌اند و قرآن روی نوشت افزارهای آن دوره گردآوری شده است و سپس به امر خلیفه اول در یک مصحف گردآوری شده و به فرمان خلیفه سوم توحید مصاحف انجام شده و تاریخ شفاف اسلام مؤید آن است. در نتیجه، گفته برخی از خاورشناسان در خصوص تاریخی نهایی تثبیت متن در سده سوم هجری مردود است و شواهد مذکور این ادعا را تأیید نمی‌کنند؛ نسخ موجود در صنعا یمن از جمله این شواهد است.
۲. نسخه‌های خطی قرآن یمن در مرکز نسخه‌های خطی صنعا از نظر فراوانی و قدمت در سده اول و دوم هجری از نسخه‌های دیگر متمایز است.
۳. از مقایسه میان نسخه‌های خطی سده اول و دوم هجری و قرآن‌های چاپی معاصر ثابت می‌شود که قرآن کریم محفوظ مانده و همان‌گونه که در سده اول و دوم بوده بر جای مانده است. این امر بر صحت متن‌های قرآنی و سالم ماندن آن از تحریف و تغییر تأکید می‌کند و هیچ چیزی مستدل‌تر از پژوهشی نیست که در سطرهای بخشی از ورق‌های

پوستی در مرکز نسخه‌های خطی صنعا انجام گرفته است؛ و راست گفت خداوند بزرگ در این آیه «و ما قرآن را نازل کردیم و قطعاً خود حافظ آنیم» (حجر: ۹). در هر صورت، مصاحف صنعا از اهمیت فراوانی برخوردار است؛ زیرا نه تنها آگاهی‌هایی درباره مراحل آغازین کتابت قرآن در اختیار ما می‌نهد، بلکه یکی از مهم‌ترین ادله تاریخی و نظری جامع در خصوص قدمت قرآن و تدوین آن در سده‌های اولیه است.

پی‌نوشت‌ها

۱. طبق نقل منابع مختلف (بخاری و ابن سعد، ابن داود، ابن عساکر و ...)، زمانی که عمر دنبال آیه‌ای از قرآن می‌گشت و نمی‌یافت، بدو گفتند که این آیه همراه فلان کس بوده که در جنگ یمامه کشته شده است و این بر نگرانی عمر افزود. این داستان را به هفت روایت بازگفته‌اند. اما رامیار پس از این گزارش در مورد روایت پیشنهاد عمر به ابوبکر مبنی بر جمع قرآن شرحی می‌آورد و به دلایلی (از جمله وجود روایات متناقض و یا بیان‌های مبالغه‌آمیز و ثناگونه) در صحت این روایات تردید می‌افکند و در نهایت ادعا می‌کند حداقل این است که «بازگویی چنین کاری و خدایی بودن آن خالی از جنبه‌های تبلیغاتی نبوده است» (رامیار، ۱۳۶۹: ۳۰۳-۳۰۴).
۲. جان ونزبرو (۱۹۲۸-۲۰۰۲) خاورشناس امریکایی که به مدت چهل سال، از سال ۱۹۵۷ تا ۱۹۹۶، استاد مدرسه شرقی و افریقایی در لندن بود. مهم‌ترین نظریه او که محصول دو کتاب *مطالعات قرآنی و محیط فرقه‌ای است درباره تثبیت نهایی متن قرآن است* که بنا بر عقیده‌اش تثبیت متن قرآن پیش از سده سوم صورت نگرفته است. وی پذیرش روایات اسلامی مربوط به جمع قرآن را مستلزم وقفه‌ای ۱۵۰ تا ۲۰۰ ساله میان تدوین نهایی و تحلیل محتوای آن در متون اسلامی می‌داند. جرالدهاوتینگ، هم‌چون استادش، به منابع اسلامی نگاهی شکاکانه دارد؛ او، علاوه بر روایات اسلامی، تدوین قرآن را نیز مربوط به اواخر سده دوم و یا حتی اوایل سده سوم هجری می‌داند. او در کتاب *بت‌پرستی و ظهور اسلام*، در کنار ارائه شواهد و قرائن مختلف، از روش تحلیل ادبی متن قرآن نیز برای اثبات دیدگاهش استفاده کرده است.
۳. از جمله این خاورشناسان هارلد موتسکی و نیز نبیه عبود و فؤاد سزگین‌اند که با بررسی روایات اسلامی درصدد اثبات اعتبار تاریخی و اثبات قدمت روایات اسلامی به سده اول هجری بوده‌اند و نتایج به دست آمده از این تحقیقات تا حدوی مثبت و امیدوارکننده بوده است (هارالد موتسکی، ۱۳۵۸: ۱۵۵-۱۹۶).
۴. برخی از اطلاعات مربوط به مصاحف مطالب برگرفته از دو مقاله «نگاهی به پوست‌نوشته‌های قرآنی صنعا» به قلم سید محمدباقر تلغری‌زاده منتشرشده در سایت ملی مذهبی (مورخ ۹۱/۷/۳۰) و مقاله‌ای که ب. بی‌نیاز در سایت گویانیوز (مورخ ۱۳۹۱/۷/۲۲) منتشر کرده است می‌باشد. باید

افزود که این مطالب را بی‌نیاز از مقاله «کهن‌ترین برگه‌های قرآن کشف‌شده در صنعا و اهمیت آن برای تاریخ رسم‌الخط قرآن» به قلم دکتر گرد پوین (Gerd-R. Puin) و مقاله «آغاز نگارش قرآن: آزمایش‌های [فیزیکی شیمیایی] روی دست‌خط‌ها و عناصر هنری برگه‌های قرآن صنعا» به قلم هانس کاسپر گراف فون بوتمر (Hans-Caspar Graf Von Bothmer) است. این مقالات در سایت دانشگاه زارلند منتشر شده است. (← www.uni-saarland.de).

۵. ← به نمودار تحلیلی. این نتیجه‌گیری قبلاً بر اساس تجزیه و تحلیل مجموعه‌ای محدودتر از ۱۳ برگه، که در اختیار دکتر صادقی و برگمان بوده، به دست آمده است.

۶. روشی برای تعیین قدمت آثار باستانی که با نمودار و ارقام انجام می‌شود و کارشناسان این روش ارقام خاصی را در محدوده خاص تعریف می‌کنند و سپس به تاریخ‌گذاری اشیای یافت‌شده می‌پردازند. این روش در میزان تعیین قدمت آثار هم‌سان با روش کربن ۱۴ است.

- 'Ein fruher Koranpalimpsest aus Sana (DAM 01-27.1)' Schlaglichter: Die beiden ersten islamischen jahrhundert, Berlin: Verlag Hans Schiler, 2008 (Inarah. Schriften zur Fruhen Islamgeschichte und zum Koran, pp 461-493.

- 'Ein fruher Koranpalimpsest aus Sana II (DAM 01-27.1)'- TeilII, 'Vom Koran zum Islam: Schriften zur Fruhen Islamgeschichte und zum Koran, edited by Markus Grob and Karl- Heinz Ohlig, Berlin: Verlag Hans Schiler (Inarah. Schriften zur Fruhen Islamgeschichte und zum Koran, vol.4, 2009, pp. 523-581.

- 'Ein fruher Koranpalimpsest aus Sana II (DAM 01-27.1)'- TeilIII: Ein nicht, 'Utmanischer Koran,' Die Entstehung einer Weltreligion.I: Von der Koranischen Bewegung zum Frühislam, edited by Markus Grob and Karl- Heinz Ohlig, Berlin: Verlag Hans Schiler, 2010 (Inarah. Schriften zur Fruhen Islamgeschichte und zum Koran, 5) pp. 233-305.

- 'Ein fruher Koranpalimpsest aus Sana II (DAM 01-27.1)'- TeilIV: Die scriptio inferior auf den Blättern 17, 18 und 19', Die Entstehung einer Weltreligion.I: Von der Koranischen Bewegung zum Frühislam, edited by Markus Grob and Karl- Heinz Ohlig, Berlin: Verlag Hans Schiler, 2010 (Inarah. Schriften zur Fruhen Islamgeschichte und zum Koran, vol. 6), 2012, pp. 311-402.

۷. نویسنده در رساله دکترای به صورت کامل به این مبحث در نسخ بسیار قدیمی پرداخته و آن را به‌دقت ارزیابی کرده است و دستاوردهای نوینی در مورد قدیمی‌ترین نوع خط عربی به دست آورده است که انشاءالله به‌زودی در دانشگاه قم دفاع خواهد شد.

۸. این نسخ غیر از نسخه مهم و دولایه‌ای صنعاست که محل بحث و مناقشه محققان آلمانی است. این نسخ در کتابخانه مسجد جامع صنعا نگهداری می‌شوند و از قدمتی جالب توجه برخوردارند.

۹. این نسخ غیر از نسخه مهم و دولایه صنعاست که محل بحث و مناقشه محققان آلمانی است. این نسخ در کتابخانه مسجد جامع صنعا نگهداری می‌شوند و از قدمتی قابل توجهی برخوردارند.

۱۰. قرائت‌ها سندهایی دارند که به اصحاب می‌رسد و در این دو قرائت سپس به رسول خدا می‌رسد. این دو از قرائت‌های سبع و متواترند که گروهی از گروهی روایت کرده‌اند و در نهایت به رسول خدا می‌رسد. محال است که بر دروغ ائتلاف کرده باشند و نشان‌دهنده آگاهی قاطعانه‌ای است (ابن الجزری، بی تا: ۲ / ۳۱۱).

منابع

- ابن جزری، ابو الخیر محمد بن محمد (بی تا). *النشر فی القراءات العشر*، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن سعد، محمد (۱۰۴۱ق). *الطبقات الکبری*، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- بدور، الزاهره و عبدالفتاح قاضی (۱۹۹۶). «مقاله المصاحف الصنعا»، فی *مصاحف الصنعا*.
- پویین، گرد - آر (۱۹۹۶). «نتایج فحص لمخطوطات قرآنیة مبکرة فی صنعا»، در *القرآن کنص*، تألیف و گردآوری: استیفان وایلد، آی جای بریل.
- حجتی، محمدباقر (۱۳۷۲). *پژوهشی در تاریخ قرآن*، تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
- حسن مصری، عبدالله (۱۴۱۱ق). مقاله «طریقه الکریون ۱۴ و نتایجها لتحدید قدم الآثار»، *مجله الاطلاع*، عربستان سعودی، ریاض، حولیه الآثار العربیه السعودیه، ش ۱۳.
- خزایی، محمد (۱۳۸۲). «ارزش هنری قدیمی ترین قرآن»، *گلستان قرآن*، دوره سوم، ش ۱۴۴.
- خویی، ابوالقاسم (بی تا). *البیان فی علوم القرآن*، قم: مؤسسه احیاء الآثار الامام خویی.
- رامیار، محمود (۱۳۹۶). *تاریخ قرآن*، تهران: امیرکبیر.
- سیوطی، جلال الدین (۱۴۲۱ق). *الاتقان فی علوم القرآن*، بیروت: دار الکتب العربی.
- شاهین، عبد الصبور و حسین سیدی (۱۳۸۲). *تاریخ قرآن* (شاهین / سیدی)، مشهد: به نشر.
- صبحی، صالح (۱۹۸۸). *مباحث فی علوم القرآن*، بیروت: دارالعلم للملایین.
- غسان، حمدون (۲۰۰۴). «المخطوطات القرآنیة فی صنعا من السده الأول والثانی الهجرین وحفظ القرآن الکریم»، *مجله الکلیه الاداب*، ش ۲۲.
- معرفت، محمدهادی (۱۳۷۹). *صیانه القرآن من التحریف*، تهران: وزارت امور خارجه.
- معرفت، محمدهادی (۱۳۸۶). *علوم قرآنی*، قم: مؤسسه فرهنگی تمهید.
- معرفت، محمدهادی (۱۴۱۵ق). *التمهید*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- نولدکه، تئودر (۲۰۰۰). *تاریخ القرآن*، نقله الی العربیه و حقیقه: جورج تامر، زروینخ: دارالنشر و مکتبه دیتریش.
- هارالد، موتسکی (۱۳۸۵). «جمع و تدوین قرآن: بازنگری در دیدگاه‌های غربی در پرتو تحولات جدید روش شناختی»، ترجمه مرتضی کریمی‌نیا، *هفت آسمان*، ش ۳۲.
- هریسی، هاشم (۱۳۸۲). *بیان در علوم و مسائل کلی قرآن*، ترجمه محمداصادق نجمی، تهران: وزارت ارشاد.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب ابن واضح (۱۳۷۱). *تاریخ یعقوبی*، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران: علمی و فرهنگی.

- Bobzin, Hartmut (2009). 'Der Koran: eine Einführung. Muni:beck, becksche Reihe', in *Die beiden ersten islamischen Jahrhunderte*, Edited by Markus GroB and Karl- Heinz Ohlig, Berlin: Verlag Hans.
- Hawting, GERAL. R. (1999). *The Idea of Idolatry and the Emergence of Islam*, university of CAMBRIDGE.
- Luxenberg, Christoph (2000). 'Die Syro- Aramaisch Lesart des Koran', *Ein Beitrag zur Entschlüsselung der Koransprache*, Berlin: Das Arabische Book.
- Puin, Gerd-R and Hans Caspar Graf Von Bothmer (1991). 'Neue Wege der Koranförschung', *magazin forschung*.
- Puin, Gerd-R (1997). 'A specialist in Arabic calligraphy and Koranic paleography based at Saarland University', in *Saarbrücken*, Germany.
- Sadeghi Behnam and Uwe Bergmann (2010). 'The codex of a Companion of the Prophet and the Qurān of the Prophet', *Arabica: Journal of Arabic and Islamic Studies*.
- Sadeghi Behnam and Mohsen Goudarzi, (2012). 'Sanā1 and origins of the Qurān', *Dar Islam: Zeitschrift für Geschichte and Kultur des islamischen Orients*.
- Wansbrough, John (1977). *Quranic Studies: Sources and Methods of Scriptural, Interpretation*, Oxford.